

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
پیااده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مأخذ	ویرایش دوم
			تکمیل مأخذ و ویرایش نهایی

## عید نوروز

می‌خواهم در بحث نوروز اطلاعاتی خدمتتان بدهم و نکاتی را گوشزد کنم. یکی از نکته‌هایی که به‌شدت جای تأمل دارد این است که ما ایرانیان مسلمان اکثرأً شیعه در آغاز سال شمسی، در اول بهار و در آغاز فروردین، عیدی را به‌نام عید نوروز برگزار می‌کنیم و به مناسبت این عید، لباس نو می‌خریم؛ شیرینی تهیه می‌کنیم؛ به دید و بازدید می‌رویم و تعطیلی بسیار غیر عادی‌یی در روند فعالیت‌هایمان پیش می‌آید. به هر حال، این عید را خیلی مهم تلقی و خیلی با شکوه برگزار می‌کنیم. این عید را کنار عیدهای بسیار بزرگ دینیمان بگذارید، دو تا از اعیاد مهم مسلمانان عید قربان و عید فطر است. نحوه‌ی برگزاری این دو عید را با نحوه‌ی برگزاری عید نوروز ما ایرانی‌ها مقایسه کنید، ببینید قابل مقایسه هستند؟ عید مبعث را داریم ببینید قابل مقایسه با عید نوروزمان هست؟ عید غدیر را داریم که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «أَفْضَلُ أَعْيَادِ أُمَّتِي»<sup>۱</sup> آیا قابل مقایسه با عید نوروزمان هست؟! این اندازه بها دادن به این عید ملی و در مقابل، کم بها دادن به عیدهای دینی، زمینه‌ی یک نوع تحلیل منفی را در دید مسلمانان غیرایرانی نسبت به ما ایجاد می‌کند. این یکی از انتقادات جدی‌یی است که در این زمینه وجود دارد و واقعاً باید در این مورد، تجدید نظر کرد.

نکته‌ی دیگر؛ عیدی که ما به‌نام عید نوروز برگزار می‌کنیم اصلاً سابقه‌ی تاریخی چیست؟ دو کتاب را که خیلی راحت در دسترس است و به هر کتاب‌خانه‌ای بروید، یافت می‌شود، معرفی می‌کنم. خودتان

<sup>۱</sup> مجلسی، بحار، ج ۳۷، ص ۱۰۹ و صدوق، امالی، ص ۱۲۵ و سیدین طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۴۶۶.

بروید بررسی کنید؛ یکی لغت‌نامه‌ی علامه دهخدا و دیگری فرهنگ معین. اینها نه کتاب دینی است، نه کتاب مذهبی. بروید واژه‌ی نوروز را در این دو کتاب ببینید. ببینید راجع به نوروز چه می‌گویند. آیا آن چیزی که ما امروز به‌نام نوروز برگزار می‌کنیم، آن‌طور که بین ما رایج است، یک عید باستانی است؟ به این کتاب‌ها که مراجعه کنید، می‌بینید که شروع سال شمسی، در تاریخ گذشته‌ی ایران، در دوره‌های مختلف با هم فرق می‌کرده است. در بعضی از دوره‌ها شروع سال شمسی در اوّل بهار بوده؛ در بعضی دوره‌ها در اوّل تابستان و در برخی زمان‌ها نیز مانند ماه‌های سال‌های قمری که در طول سال می‌چرخد، متغیر بوده است؛ مثلاً، در دوره‌ی ساسانیان، فروردین در واقع اوّل تابستان بوده است. اوّل تابستان اسمش فروردین بوده. ماه‌ها در سال می‌چرخیده است. چنان‌که در سال یازدهم هجرت که در ایران، عصر ساسانیان بود، شروع فروردین مقارن بوده با شروع تابستان. پس اولاً، اینکه می‌گویند نوروز عیدی باستانی است باستانی بودنش کاملاً زیر سؤال است. چنین چیزی را که در ایران باستان، اوّل بهار فروردین بوده باشد و اوّل فروردین عید نوروز بوده باشد، اسناد علمی تأیید نمی‌کند. به‌علاوه، این‌گونه که در کتاب‌ها نقل شده، می‌گویند اوّلین نوروز روز تاجگذاری جمشید جم بوده است؛ یعنی بعد از اینکه این پادشاه ظاهراً پیش‌دادی توانست مخالفان خود را سرکوب کند تا حکومت شاهنشاهی را مستقر سازد، برای تاجگذاری، جشنی گرفت و اسم روز برگزاری آن جشن را نوروز گذاشت. بنابراین، ماهیت نوروز در عصر جمشیدجم یک عید دولتی است به‌خاطر موفقیتش در تثبیت پادشاهی، تثبیت حکومتش.

تثبیت شدن نوروز در اوّل بهار، یعنی ثابت شدن فروردین در اوّل بهار، مربوط به زمان سلجوقیان است. سلجوقیان اصلاً ترک بودند. جلال‌الدین سلجوقی -تقویم جلالی معروف است. شنیده‌اید که می‌گویند طبق تقویم جلالی. تقویم جلالی متعلق به زمان سلجوقیان است- در سال چهارصد و هفتاد و یک قمری، هجدهم فروردین سال یزدگردی فرس قدیم را به‌عنوان روز اوّل سال تعیین کرد؛ یعنی در سال چهارصد و هفتاد و یک هجری قمری، در ایران، آن روزی که به دستور جلال‌الدین سلجوقی، روز اوّل فروردین و نوروز اعلام شد، آن روز برطبق تقویم فرس قدیم، روز هجدهم فروردین بود. پس

سابقه‌ی قرار داشتن نوروز در اوّل بهار به ایران باستان بر نمی‌گردد؛ سابقه‌ی آن برمی‌گردد به عهد سلجوقی.

عید نوروز جنبه‌ی سلطنتی داشت - شاید این حرف‌ها شنیدنش کمی غیر عادی باشد؛ ولی چون در اسناد علمی هست، من بازگو می‌کنم. عداوتی با نوروز ندارم ولی می‌خواهم بگویم راجع به پدیده‌هایی که با آنها مواجهیم، کمی هم مطالعه کنیم - عید نوروز همانطور که عرض کردم، یک عید سلطنتی و حکومتی بود؛ بهانه‌ای بود برای اینکه رعایا و همینطور رده‌های پایین‌تر فرمانداران و فرماندهان مجبور شوند در آن روز هدایایی را برای پادشاه بیاورند؛ یعنی عید نوروز برگزار می‌شد و آن کسی که جشن می‌گرفت و در واقع شادی داشت، همان پادشاه بود. مردم بدبخت مجبور بودند به‌زور هدایایی را برای پادشاه بیاورند و باج و خراجی به پادشاه در آن روز بدهند. ماهیت عید نوروز این‌گونه بود. این پیشینه‌ی تاریخی عید نوروز است.

در عصر اسلامی چگونه شد؟ در زمان خلافت حضرت علی علیه السلام، عده‌ایی از ایرانیان که در عراق مقیم بودند، روزی حلوای خاصی پختند و با تشریفات خاصی خدمت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آوردند. حضرت فرمودند که مناسبت این حلوا با این تشریفات آوردن برای من چیست؟ آنها گفتند: امروز، روز نوروز است و ما ایرانیان برطبق همان رسمی که برای پادشاهمان در نوروز هدیه می‌بریم، امروز هم چون نوروز بود برای شما آوردیم. حضرت فرمودند: «نِیْرُوْزَنَا [نِیْرُوْزَنَا] كُلَّ یَوْمٍ»<sup>۲</sup>. در این جمله، لطافت خاصی هست. فرمودند: نوروز ما در همه‌ی روزهاست؛ از یک سو، کمی جنبه‌ی شوخی دارد؛ یعنی اگر نوروز روزی است که برای انسان حلوا می‌برند، پس ما هر روز نوروز می‌گیریم؛ شما برای ما حلوا بیاورید. از سوی دیگر هم می‌خواستند این روز را از اهمیت بیندازند که نوروز روز چندان مهمی هم نیست و هر روز را به این اعتبار می‌توان نوروز گفت. جالب است که در روز جشن مهرگان هم که آن هم یکی از جشن‌های قدیمی ایرانیان است، همین ایرانیان مقیم عراق برای امیرالمؤمنین علیه السلام هدیه‌ای

---

<sup>۲</sup>. شیخ فخرالدین طریحی، مجمع‌البحرین، ج ۴، ص ۳۸.

آوردند. حضرت فرمودند: «مَهْرُ جُونَا كُلِّ يَوْمٍ»<sup>۳</sup> جشن مهرگان همه‌ی روزهاست؛ یعنی به هر حال، این روز را تحویل نگرفتند.

یک بار دیگر هم عده‌ای از زرتشتی‌ها که اهل جزیه<sup>۴</sup> بودند، در نوروز آمدند هدایایی برای امیرالمؤمنین علیه السلام آوردند. اینها در تاریخ ثبت شده و سندهایش هم موجود است. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هدایا را رد نکردند؛ ولی فرمودند این چیزهایی که اینها آوردند، قیمتش را محاسبه کنید و از جزیه‌ایی که به حکومت می‌پردازند، کسر کنید و این را بابت جزیه حساب کردند؛ یعنی شأن مستقلی برای این هدایا به‌عنوان تحفه‌های نوروزی قائل نشدند. این سه موردی است که درباره‌ی امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است.

اولین کسی که بعد از ظهور پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در دوره‌ی اسلامی، به‌نوعی نوروز را به رسمیت شناخت، معاویه بود. معاویه تصویب کرد که نوروز برگزار شود. علتش هم این بود که خوشش می‌آمد باج و خراجی از مردم بگیرد؛ مردم مجبور شوند بیایند و به او هدیه بدهند. اولین کسی هم که رسم نوروز و آوردن تحفه‌های نوروزی را کاملاً رایج کرد، حجاج بن یوسف بود. می‌خواهم تاریخچه‌ی نوروز را ببینید چگونه است. حجاج را هم که با سفاکی‌ها و خصوصیاتش می‌شناسید. و بعدها عمر بن عبدالعزیز که معروف بود به شایسته‌ترین خلیفه اموی و شخص سالم و عادل بود؛ در جنبه‌های ظاهری حکومتیش، فرد بدجنس و ظالمی نبود، عمر بن عبدالعزیز که به خلافت رسید، رسم نوروز را در جامعه‌ی اسلامی، دوباره لغو کرد. تا اینکه دوره‌ی امویان تمام شد و رسید به عصر عباسیان. با توجه به اینکه در شکل‌گیری حکومت بنی عباس، ابومسلم خراسانی که ایرانی بود به‌عنوان یکی از مهره‌های بسیار مؤثر نقش داشت و بعد هم که عباسیان بر سر کار آمدند، برامکه که یک خاندان بزرگ ایرانی

---

<sup>۳</sup> حسینی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۸، ص ۱۵۷.

<sup>۴</sup> به‌جای زکاتی که مسلمانان می‌دهند، پیروان ادیان آسمانی قبل که در جامعه‌ی اسلامی زندگی می‌کنند، جزیه می‌پردازند؛ مالیاتشان را به‌عنوان جزیه می‌دهند.

بودند، در حکومت آنها حضور جدی داشتند، در زمان عباسیان دوباره رسم جشن گرفتن و عید گرفتن نوروز احیاء شد و رونق گرفت. این از نظر تاریخی. خواستم داستان نوروز را بدانید.

و اما به لحاظ روایی، در بحث نوروز دو روایت داریم. یک حدیث منتسب به امام صادق علیه السلام است. فردی به نام معلی بن خنیس نقل می کند که امام صادق علیه السلام فرمودند: نوروز روزی است که در آن روز خدای متعال از بندگان میثاق گرفت بر خداوندگاری خودش و رسالت رسول صلی الله علیه و آله و سلم. نوروز روزی است که برای اولین بار، خورشید طلوع کرد و باد وزیدن گرفت. نوروز روزی است که زهره آفریده شد. نوروز روزی است که کشتی نوح بعد از آن توفان بر کوه جودی نشست. نوروز روزی است که برای اولین بار جبرائیل بر پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل شد. نوروز روزی است که مکه به دست مسلمانان فتح شد و امیرالمؤمنین، علی بن ابیطالب علیه السلام بر دوش پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گام نهاد و بتها را از داخل کعبه به زیر افکند. نوروز روزی است که ابراهیم خلیل بتها را شکست. نوروز روزی است که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در غدیر خم، علی علیه السلام را به جانشینی خودش منصوب کرد و از مردم برای حضرت علی علیه السلام بیعت گرفت. نوروز روزی است که در آن روز عثمان کشته شد. نوروز روزی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام را به سمت جتیان فرستاد تا برای پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم از آنها بیعت بگیرد. نوروز روزی است که علی بن ابیطالب علیه السلام به خلافت رسید و برای بار دوم از مردم بیعت گرفت. نوروز روزی است که علی بن ابیطالب علیه السلام بر خوارج پیروز شد و خوارج را در هم شکست. نوروز روزی است که مهدی ما قیام خواهد کرد و دجال را خواهد کشت. بعد فرمودند که نوروز روزی است که ما اهل بیت علیهم السلام منتظر فرج آل محمد علیهم السلام در آن روز هستیم. بعد فرمودند: مردمان عجم نوروز را نگاه داشتند و شما حفظ نکردید.<sup>۵</sup> این در واقع، مهم ترین سند حدیثی است که در اعتبار نوروز به آن استناد می شود. فکر می کنم بدون اینکه من توضیحات را شروع کنم، خیلی چیزها راجع به این حدیث در ذهن شما آمده باشد. چند نکته را عرض می کنم. اول اینکه این حدیث سند محکمی ندارد؛ دوم اینکه در کتاب مؤثقی هم نقل

<sup>۵</sup> مجلسی، بحار، ج ۵۶، ص ۹۲.

نشده؛ یعنی این سند از کتاب یک عالم معتبر دینی نشأت نگرفته؛ سوم اینکه شخصی به اسم معلی بن خنیس در علم رجال به عنوان فردی موثق و مورد اعتماد و برخوردار از عدالت در نقل حدیث، شناخته نشده است. نکته‌ی بعد اینکه روزهایی که در این حدیث، با عبارت نوروز روزی است که ذکر شده است، به هیچ وجه با روز اوّل فروردین ایرانی قابل جمع نیست. ببینید روزی که خدا در عالم ذر از انسان‌ها میثاق گرفت بر توحید و بر نبوت، آن روز که هنوز دنیا خلق نشده بود؛ کره‌ی زمینی نبود؛ خورشیدی نبود که اوّل فروردین و بهار طبیعت باشد؛ یا نخستین روزی که خورشید طلوع کرد و نخستین روزی که زهره آفریده شد، خوب معلوم است که اگر حدیث هم حدیث معتبری می‌بود این روزها دیگر نمی‌تواند روز اوّل فروردین تلقی شود یا از نظر تاریخی، مثلاً، روز غدیر خم معلوم است که هیجده ذیحجه سال دهم هجرت بوده است. محاسبه‌ی این روزها به تاریخ شمسی کاری ندارد. بروید محاسبه کنید. روز اول خلافت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، روز پیروزی حضرت علی علیه السلام در جنگ خوارج، روز قتل عثمان، این روزها روز اوّل فروردین ایرانیان نیست. جالب اینجاست که هم غدیر خم هیجده ذیحجه است و هم قتل عثمان در ماه ذیحجه است. فاصله‌ی این دو حادثه هم درست بیست و پنج سال است. هر سال قمری نسبت به سال شمسی ده یا یازده روز کوتاه‌تر است. بیست و پنج تا یازده روز تقریباً می‌شود دویست و هفتاد و پنج روز. یعنی اگر حادثه‌ی اوّل در اوّل فروردین بوده، حادثه‌ی دیگر دویست و هفتاد و پنج روز عقب‌تر از فروردین رخ داده است. دویست و هفتاد و پنج روز عقب‌تر که نمی‌تواند دوباره اوّل فروردین باشد. اینها دیگر خیلی روشن است. روزهای مختلفی که نقل شده است، نیز به همین ترتیب هستند. پس روزهایی که در این حدیث آمده، از نظر تاریخی هم قابل تطبیق با روز اوّل فروردین ایرانیان نیست. نکته‌ی بعد این است که حضرت نفرمود روزی که حضرت علی علیه السلام به جانشینی پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم منصوب شد، روز نوروز بود یعنی در نوروز، حضرت علی علیه السلام به عنوان جانشین پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نصب شد یا در نوروز، حضرت علی علیه السلام بر خوارج پیروز شد. این گونه نفرمود. فرمود: روزی که حضرت علی علیه السلام پیروز شد، نوروز بود؛ روزی که خوارج شکست خوردند، نوروز بود؛ روزی که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم حضرت علی علیه السلام را به جانشینی خودش تعیین کرد، نوروز بود. این دو نحوه‌ی بیان باهم

فرق دارد. یک وقت می‌گوییم پیغمبر ﷺ حضرت علی علیه السلام را در روز نوروز نصب کردند؛ یک وقت می‌گوییم روزی که پیغمبر ﷺ حضرت علی علیه السلام را نصب کردند نوروز بود. این دو تا باهم فرق می‌کند. عبارت در روایت این است که نوروز روزی است که چنین اتفاقاتی افتاد نه اینکه این اتفاقات در نوروز افتاد که خود این مسأله، انطباق این روزها را با نوروز کاملاً زیر سؤال می‌برد.

نکته‌ی بعد این است که همانطور که عرض کردم، بنی عباس به دلیل نفوذ برامکه در دستگاه حکومتیشان و اینکه بسیاری از فرماندارهایشان را هم از ایرانیان انتخاب کرده بودند، عید نوروز را به شدت رونق دادند و به آن اهمیت بخشیدند. امام صادق علیه السلام در آغاز عصر بنی عباس زندگی می‌کنند. اگر این حدیث حتی از نظر سند و از نظر راوی هم معتبر بود و چنین مشکلات محتوایی هم در آن نبود، می‌شد حمل بر تقیه کرد؛ یعنی در شرایطی که حکومت جائر عباسی اصرار دارد بر اینکه رسم نوروز را با استحکام برگزار کند، امام صادق علیه السلام آزادی ندارند که عقاید خودشان را ابراز کنند و لذا ممکن است در مقام تقیه، به نوعی نوروز را تأیید کرده باشند. به هر حال مشکلات متنوعی در این حدیث وجود دارد که به بعضی از آنها اشاره کردم این یک حدیث در بحث نوروز است که حدیث معلی بن خنیس است.

دومین حدیثی که در مورد نوروز وجود دارد، از امام کاظم علیه السلام است. برخلاف حدیث اول که سلسله سندی برایش نقل نشده و راوی‌یی هم که حدیث به او منتسب شده است، فرد موثقی نیست و اشکالات جدی محتوایی هم در آن هست، در حدیثی که از امام کاظم علیه السلام نقل شده است، هیچکدام از این مشکلات وجود ندارد. مضمون حدیث این است که در زمان منصور دوانیقی که گفتیم بنی عباس با اهتمام زیادی می‌خواستند نوروز را پررنگ کنند، یکبار نوروز ایرانیان فرا رسید. چون خلیفه باید در این مراسم می‌نشست، منصور دوانیقی از امام کاظم علیه السلام درخواست کرد که امسال شما یعنی امام کاظم علیه السلام به عنوان نماینده‌ی من در این مراسم حضور پیدا کنید و مراسم را مدیریت کنید؛ اداره کنید و فرمانداران و فرماندهان بیابند و هدایا را به شما بدهند. حال اینکه چه اغراض شومی پشت این قضیه بود، به موارد متعددی می‌شود فکر کرد. اولاً می‌خواست امام کاظم علیه السلام را به جای خودش بگذارد تا

به‌نحوی تأیید اهل بیت علیهم‌السلام را بر حکومت فاسد و جائر بنی عباس دریافت کرده باشد. این یکی و دوم اینکه خواست امام کاظم علیه‌السلام را به‌جای خود بنشانند تا فرماندهان و فرمانداران بیایند به ایشان هدایای شاهانه بدهند و آن مقام زهد و عرفان و وارستگی و بی‌اعتنایی به دنیا که حضرت امام کاظم علیه‌السلام داشتند، آسیب ببینند. منصور دوانیقی گفت که شما به‌جای من در این مراسم شرکت کنید تا فرمانداران و فرماندهان به حضور شما بیایند و به شما تهنیت عید نوروز را بگویند و هدایای خودشان را به شما تحویل دهند. ببینید امام کاظم علیه‌السلام در برابر این درخواست چه عکس‌العملی نشان دادند. حضرت فرمودند: من اخباری که از جدّم رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم رسیده همه را بررسی کردم. در این اخبار و احادیث، خبری از چنین عیدی نیافتم. پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم چنین عیدی را تأیید نکرده‌اند. عید مسلمان‌ها این عید نیست. این عید شیوهی مجوسیان، ایرانیان زرتشتی قدیم است و اسلام این عید را از بین برد و من امام کاظم علیه‌السلام پناه می‌برم به خدا که آنچه را که اسلام محو کرد، من با رفتارم آن را دوباره زنده کنم و تأییدش کنم. آنقدر این حرف امام کاظم علیه‌السلام متقن و مستدل بود که منصور دوانیقی نتوانست روی حرف امام کاظم علیه‌السلام ان‌قلتی بگذارد. و بگوید بله؛ احادیثی داریم؛ شما ندیده‌اید. چنین است، چنان است. منصور دوانیقی تأیید کرد و گفت که فرمایش شما درست است. عید نوروز عید مورد تأیید اسلام نیست. اینها را من قبول دارم؛ ولی چون اکثر فرماندهان و فرمانداران ما در حکومتان از ایرانیان هستند، برای اینکه روحیهی آنها را تقویت کنیم و آنها را نسبت به حکومتان علاقمندتر کنیم، برگزاری چنین عیدی را پذیرا شدیم؛ و الا من هم فرمایش شما را که عید نوروز جنبه‌ی اسلامی ندارد، تأیید می‌کنم. بعد حضرت را قسم داد و گفت شما را به خدای عظیم سوگند می‌دهم که این بار را بروید در این مراسم شرکت کنید و مراسم را اداره کنید. بعد از اینکه حضرت این اعتراف را از او گرفتند و او به زبان سوگند به میدان آمد،<sup>۴</sup> اما فی الواقع می‌دانید دستگاه بنی عباس با امام کاظم علیه‌السلام چه کرد! چهارده سال زندان‌های پی در پی امام کاظم علیه‌السلام را به خاطر

<sup>۴</sup> ابن‌شهر آشوب، مناقب آل‌ابی‌طالب علیهم‌السلام، ج ۴، ص ۳۱۸ و مجلسی، بحار، ج ۴۸، ص ۱۰۸.



دارید. صورت ظاهرش این است که می‌گوید قسم می‌دهم و خواهش می‌کنم؛ ولی صورت باطنیش چیز دیگری است: تهدید و فشار. و حضرت را واداشت و ناچار کرد که در آن مراسم حضور پیدا کند. این حدیث خوب می‌رساند که دیدگاه اسلام در مورد عید نوروز چیست.

تنها نکته‌ایی که باقی می‌ماند، این است که برای نوروز دعاهایی نقل شده مثل همین دعای معروف که «**يَا مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ يَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَ الْأَحْوَالِ حَوْلَ حَالِنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ**» که آن را به‌عنوان دعای زمان تحویل سال نقل کرده‌اند؛ یا مثلاً نمازی نقل کرده‌اند یا گفته‌اند خوب است انسان روز نوروز را روزه بگیرد. در اینکه این دعا مضمون بسیار خوب و زیبایی دارد تردیدی نیست؛ اما اینکه چنین دعایی از معصوم برای لحظه‌ی تحویل سال، در روز اول فروردین ایرانیان به‌عنوان نوروز، وارد شده باشد، مطلقاً چنین چیزی قابل اثبات نیست. دعا دعای خوبی است در قنوت‌های نمازهایتان هم بخوانید؛ نیمه شب که برمی‌خیزید نماز شب بخوانید هم بخوانید؛ هیچ اشکالی ندارد. «**حَوْلَ حَالِنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ**» چه دعایی قشنگ‌تر از این؟! اما می‌خواهم بگویم این دعا را نمی‌شود به‌عنوان سند و ثبوت عید نوروز گرفت. فتاوی‌ای فقها هم هست؛ حتی از خود رهبر انقلاب هم استفتاء کرده‌اند. ایشان هم فرموده‌اند: این اعمال به‌عنوان قصد ورود یعنی اینکه این دعاها و این نمازها و این اعمال از معصوم وارد شده باشد، قابل انجام نیست؛ رجاء انجام بدهید ان‌شاءالله که خداوند ثوابی بابت آن بدهد! یعنی مراجع تقلید و فقها هم نظرشان این‌گونه است. چون گاهی اوقات استناد می‌کنند به این دعاها و می‌گویند اگر نوروز از نظر اسلام مهم نبود که یک چنین دعایی برایش وارد نمی‌شد؛ یا استناد می‌کنند به روزه گرفتن در روز نوروز. روزه گرفتن را هم گفتم انتسابش به معصومین کاملاً قابل تردید است؛ مضافاً بر اینکه معمولاً در عیدهای اسلامی اتفاقاً روز عید، روزه گرفتنش حرام است؛ روزه گرفتن در عید قربان و عید فطر حرام است.

حال دیگر هر چه خودتان از این بحث‌هایی که من کردم، نتیجه بگیرید. فقط خواستم بدانید که جایگاه نوروز در متون علمی ما کجاست. البته، این می‌تواند نقطه‌ی شروع تفکر و مطالعه‌ی شما باشد و نمی‌گویم حرفی که من زدم را باور کنید. علت اینکه من روی این موضوع دست گذاشتم، یکی این

بود که معمولاً رایج است که روحانیون و غیر روحانیون از نوروز چنان حرف می‌زنند که انگار واقعاً یک امر مسلم دینی آنچنانی است؛ و دیگر اینکه با توجه به اینکه پایگاه اصلی تشیع در جهان، ایران است و جامعه‌ی ایرانی را به‌عنوان شاخص جامعه‌ی شیعی می‌شناسند، افراط ما در بزرگداشت این عید و بی‌اعتنایی و کم توجهی ما در بزرگداشت عیدهای اصلی و دینیمان، سبب شده که اهل سنت به‌صورت جدی بگویند ایرانی‌ها مجوس هستند و شیعه‌گری هم در واقع، پوششی است برای حفظ زرتشتیت و الاّ اسلام یعنی سنی‌گری. در واقع، تشیع نوعی شعوبی‌گری است؛ نژاد پرستی ایرانی است؛ پوششی است برای حفظ همان مجوسیت. وقتی هم می‌پرسیم دلیلش چیست، می‌گویند ببینید نوروزشان را! اینها اگر مسلمان بودند، عید فطر را بزرگ می‌داشتند؛ عید قربان را بزرگ می‌داشتند. این را هم می‌دانید که سنت بزرگداشت عید فطر و عید قربان یک سنت صرفاً عربی نیست؛ در کشورهای اسلامی غیر عرب هم مانند پاکستان، مالزی، اندونزی و... عید فطر و عید قربان را بسیار بزرگ می‌دارند. در این دو عید است که چراغانی می‌کنند؛ شیرینی می‌خرند؛ به دید و بازدید می‌روند؛ لباس نو می‌خرند؛ به هم تبریک می‌گویند و امثال اینها. به‌خاطر اینکه ما ایرانی‌ها چنین افراطی اینجا کرده‌ایم و چنان بی‌اعتنایی‌یی را آنجا، مورد چنین اتهام بزرگی قرار گرفته‌ایم و می‌دانید که امروز جوّ دنیای اسلام، جوّ به‌شدت تحریک شده غیرطبیعی نسبت به شیعیان است و دنبال بهانه می‌گردند که بگویند اینها اصلاً مسلمان نیستند؛ کما اینکه وهابیون راجع به ما این حرف را می‌زنند؛ همین تکفیریون عراق و سپاه صحابه‌ی پاکستان و طالبان افغانستان و وهابی‌ها یا سلفی‌های عربستان سعودی و امثال اینها می‌گویند ما اصلاً مشرکیم و ریختن خونمان هم ثواب دارد و اگر بتوانند این کار را بکنند اجر می‌برند. برای اینکه از مظانّ این اتهام بیرون بیاییم، باید قضیه را قدری تعدیل کنیم. حالا این فقط به‌عنوان یک وصیت از طرف ماست چون می‌ترسم بعد از اینکه حرف‌هایم تمام شود، ترورم کنند.

مخاطب: آیا باقی ماندن سنت جشن‌های نوروزی به‌خاطر این نیست که امام خمینی بعد از انقلاب، به‌تصریح این مسأله را رد نکرده‌اند؟

استاد: شاید به خاطر شرایط خاص سیاسی و بین المللی که در آن موقعیت وجود داشت و اینکه استعمار می‌خواست در داخل ایران، نوعی درگیری فرقه‌ای و نژادی ایجاد کند، ایشان آن زمان را مناسب نمی‌دیدند که دست بگذارند روی قضیه و قضیه را آشکارا مطرح کنند؛ به خاطر اینکه این کار بهانه‌ای می‌شد که یک عده‌ایی بگویند بله، پس این حکومت جمهوری اسلامی اصلاً ربطی به ایران ندارد؛ حکومت عربی است و امثال این حرف‌ها و فتنه‌گری کنند. شاید به این دلایل بود که روزهای اول انقلاب از طرف ایشان به این قضایا تصریح نشد.

مخاطب: امام گفتند: عید ما روزی است که در آن گناه نشود.

استاد: بله، احسنت! حالا این قضیه که اصلاً عید چه روزی است «لیست العید لمن لبس الجدید بل العید لمن امن من الوعید» عید روزی نیست که انسان لباس نو می‌پوشد؛ عید روزی است که انسان از تهدید عذاب اخروی در امان قرار بگیرد؛ یا «كُلَّ يَوْمٍ لَا يُعْصِي اللَّهَ فِيهِ فَهُوَ عِيدٌ»<sup>۷</sup> هر روزی که در آن معصیت خدا نشود، آن روز عید است؛ اینها در واقع عید را از منظر دینی به ما معرفی می‌کند. به هر حال، اگر بشود برای واژه‌های به‌نام نوروز، در فضای فرهنگ دینی جایگاهی پیدا کرد، به مفهوم روز ویژه و فوق‌العاده است؛ روز نو، روز تحول، روز یک رخداد بزرگ و ماندگار تاریخی مثل روز غدیر خم و روز فتح مکه. تعبیر قرین این مفهوم در ادبیات قرآنی ایام الله است که فرمود: «وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ»<sup>۸</sup> مفهوم نوروز می‌تواند با این مفهوم قرین شود نه اینکه به معنای روز اول فروردین سال جلالی باشد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

<sup>۷</sup> شریف‌الرضی، نهج‌البلاغه، حکمت ۴۲۸.

<sup>۸</sup> سوره‌ی ابراهیم، آیه‌ی ۵.